

پس از تأکید رهبر معظم انقلاب مبنی بر پیگیری جنایات رژیم‌صهیونیستی در محاکم حقوقی داخلی و بین‌المللی، مرکز و کلا و کارشناسان رسمی قوه قضائیه شروع به جمع‌آوری مستندات و ادله حقوقی کرد و بنابر صلاحیتی که قانون مجازات اسلامی بر دوش دادگاه‌های داخلی گذاشته است، شعبه ویژه‌ای برای رسیدگی به دعاوی حقوقی علیه رژیم‌صهیونیستی و دولت امریکا تخصص یافت.

■ ■ ■

به موجب ماده ۳ قانون مجازات اسلامی، قوانین جزایی ایران درباره تمامی اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد. این ماده به صلاحیت سرزمینی دادگاه‌های داخلی اشاره دارد و مطابق این صلاحیت، دولتی که جرم در قلمرو آن حادث شده بر سایر دولت‌ها در رسیدگی به آن جرم تقدم دارد. برای تشخیص صلاحیت سرزمینی ایران باید یکی از سه حالت زیر وجود داشته باشد که عبارتند از:

الف) قسمتی از عنصر مادی جرم (رفتار مجرمانه) در ایران واقع شود (این مورد در حکم جرم واقع شده در ایران است).

ب) هرگاه نتیجه مجرمانه جرم در ایران واقع شده باشد (این مورد نیز در حکم جرم واقع شده در ایران است).

ج) هرگاه عنصر مادی و نتیجه مجرمانه هر دو در ایران واقع شوند که مجموع این سه شرط در خصوص جرائم اسرائیل و امریکا محقق است.

■ **صلاحیت واقعی دادگاه‌های داخلی در اقدامات خارج از مرز**

به موجب ماده ۵ قانون مجازات اسلامی، هر شخص ایرانی یا غیرایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم زیر یا جرائم مقرر در قوانین خاص شود، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هرگاه رسیدگی به این جرائم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منتهی شود، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری، میزان محکومیت اجرا شده را محاسبه می‌کند. اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی و تمامیت ارضی با استقلال جمهوری اسلامی ایران و غیره، ماده ۵ قانون مجازات اسلامی به صلاحیت واقعی یا حمایتی اشاره دارد، در این اصل مقنن بر حفظ و حراست از منافع جمهوری اسلامی ایران و برخورد با جرماتی که در خارج از ایران برای ضربه زدن به منافع

گزارش ۲
نیره ساری

شهروندان در دوران پرشتاب امروز ناگزیرند در زندگی روزمره با نهادهای و دستگاه‌هایی مواجه شوند (چه خصوصی و چه دولتی) که برای پاسخگویی به درخواست‌ها و شکایات، ساز و کار «پراپتور گویا» را ایجاد کرده‌اند. این روش در ظاهر تسهیل‌کننده به نظر می‌رسد، اما در عمل، شکایات بسیاری از مردم در مسیر اجرا و پیگیری به بن‌بست می‌رسد. مردم دیگر فرصتی برای مراجعه مکرر ندارند، در حالی که برای پیگیری شکایات اصلی، مجبور هستند شکایت از شکایت داشته باشند. اقدام نادره‌ای، این است که گویا صرفاً به صورت شفاهی و روی کاغذ مانده است و در عمل، حقوق مصرف‌کننده نادیده گرفته می‌شود. ■ ■ ■

یکی از روش‌های متداول ارائه خدمات به شهروندان در جامعه امروز، استفاده از «پراپتور گویا» است. به این صورت که شماره تلفنی یا منشی خودکار یا منوی صوتی، افراد را به بخش‌های مختلف متصل می‌کند. این روش در ظاهر قرار است تسهیل‌دهنده در سریع‌تر به نهادهای امکان‌کند، اما تجربه ملموس بسیاری از مردم چیز دیگری را نشان می‌دهد. تماس‌هایی پاسخ می‌مانند و معلوم نیست کد پیگیری‌ها چه استفاده‌ای دارند. بیشتر افراد، به‌ویژه کسانی که درگیری‌های روزمره فراوان دارند، نمی‌توانند بارها به مراکز مختلف مراجعه کنند یا شکایت کنند تا بلکه جواب بگیرند. آنها در مواجهه با اپراتور پی پاسخ، راه بعدی را نمی‌دانند. وقتی وعده «کد پیگیری» می‌دهند، اما مسیر پیگیری آن را روشن نمی‌کنند، عملاً حقوق مصرف‌کننده زیر پای سیستم‌های گویا محو می‌شود.

■ **وضعیت موجود در ادارات و نهادهای**

بسیاری از ادارات، نهادهای و شرکت‌ها اعم از عمومی و خصوصی مردم را وادار می‌کنند برای هر موضوع شکایت یا درخواست، ابتدا از طریق شماره تلفن یا سامانه‌های «گویا» اقدام کنند. این راهکاری می‌تواند مانع مراجعه مستقیم باشد، اما وقتی اپراتورها پاسخ نمی‌دهند یا تماس قطع می‌شود، مردم در بلاتکلیفی به‌سر می‌برند.

متداول‌ترین روش پاسخگویی در سامانه‌های شکایت، ارسال یک کد پیگیری است اما این‌ا که معمولاً بدون راهنمایی درباره مسیر بعدی استفاده از

ورود دستگاه قضا برای دفاع از حقوق ملت ایران

دادگاه‌های داخلی به جرائم امریکا و اسرائیل رسیدگی می‌کنند



مستندات فراوان، تشکیل پرونده‌های قضایی مستند و انتقال آن به دادگاه‌های ویژه، می‌توانیم نبرد حقوقی علیه رژیم‌صهیونیستی و امریکا را در فرایندی کاملاً قانونی و عادلانه ادامه دهیم و احکام متقن صادر کنیم.

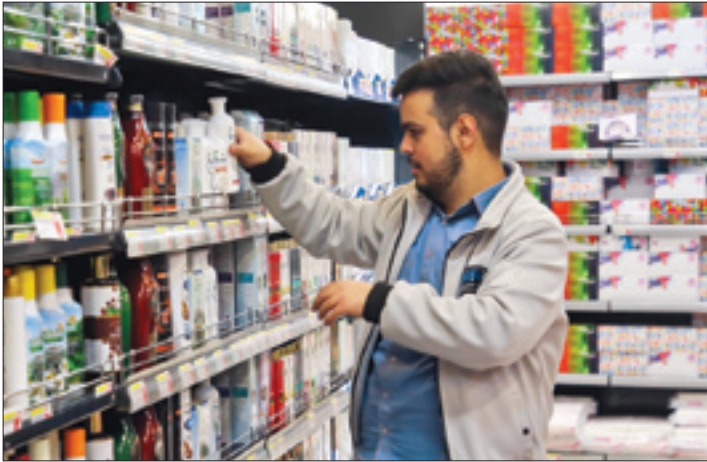
■ **ثبت بیش از ۶۰۰ شکایت حقوقی و کیفری در خصوص امریکا و اسرائیل**

موحدی آزاد، دادستان کل کشور در این خصوص گفت: در دادسرای تهران در دو شعبه بازپرسی دادسرای بین‌الملل حدود ۱۵ فقره پرونده علیه این دو متخاصم در جریان رسیدگی است. شعبه ۵۵ برای رسیدگی به این امر اعلام آمادگی کرد و در صورت افزایش دادخواست دادگستری می‌تواند شعب را افزایش دهد، در حال حاضر بیش از ۲۰۰مورد شکایت حقوقی و بیش از ۲۰۰مورد شکایت کیفری از سوی افراد حقیقی و حقوقی وارد سیستم شده است، همچنین در خصوص مستندسازی خسارات وارده از جهت کارشناسی و تأمین دلیل، برای امکان شخصی صندوق دادگستری ثبت‌کند که این رقم مطابق قانون باید بین شکات و محکوم لاهم تقسیم شود. با جمع‌آوری

وقتی مردم می‌مانند و یک کد پیگیری!

حقوق مصرف‌کننده در پس خط گویا

مردم در گیر دیوان سالاری دیجیتال بی‌پاسخ شده‌اند و نمی‌دانند شکایت «از شکایت» خود را به کجا گزارش کنند



آن به شهروند داده می‌شود. مردم نمی‌دانند این کد را کجا باید وارد کنند یا چه نهادهایی قبول مسئولیت قضایی دارند. به دنبال آن شکایات ثبت‌شده در سامانه‌ها غالباً فراتر از مهلت مقرر قانونی باقی می‌مانند. اپراتورها گاه چندین روز یا هفته پس از مهلت پاسخ‌دهی اعلام شده، پاسخ ار سال می‌کنند یا اصلاً پاسخ داده نمی‌شود، یعنی زمانی با مشترک تماس می‌گیرند که کار از کار گذشته و زمان حلال بخشی از مشکلات بوده است یا اینکه چالش را به حدی بحرانی کرده که اصلاً کار از شکایت گذشته است. اگر یک نهاد پاسخ ندهد، مردم مجبورند به نهاد بالاتر شکایت کنند. این سیکل پیگیری مکرر، برای بسیاری از افراد امکان‌پذیر نیست. زمان، هزینه، خستگی و نداشتن آگاهی حقوقی، مانع ادامه مسیر می‌شود. وقتی تماس با اپراتور، دریافت کد پیگیری و

وعده پیگیری نتیجه نمی‌دهد، اعتماد مردم به نهادهای و سامانه‌های شکایت کمتر می‌شود. مردم احساس می‌کنند صدای‌شان شنیده نمی‌شود و حقوق‌شان نادیده گرفته شده است.

■ **حقوق قانونی شهروندان در شکایت و پاسخگویی**

برای فهم چگونگی ضعف موجود باید بدانیم قانون

چه حمایتی برای مردم پیش‌بینی کرده است.

■ **قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده:** این قانون مصوب ۱۳۸۸ است و عرضه‌کنندگان کالا یا

پیگیری کنند، با این حال کارشناسان نقد کرده‌اند که قانون به‌خوبی اجرا نشده است و دستگاه‌ها در ارائه اطلاعات شفاف، مقاومت می‌کنند. گواه این سخن انتشار فهرست سازمان‌ها و مؤسسات بدون پاسخگویی (صفر) در سامانه ملی انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در مرداد ۱۴۰۴ است.

در حالی که قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات دستگاه‌های عمومی و خصوصی را مکلف به پاسخگویی حداکثر طی ۱۰ روز کرده است، گزارش جدید نشان می‌دهد صدها درخواست شهروندان در سامانه iranfoia بلاکلیف مانده و برخی نهادهای عملاً هیچ پاسخی ارائه نکرده‌اند.

در نظریه حقوقی، اگر اپراتور مثلاً در یک سازمان عمومی پاسخ ندهد، شهروند می‌تواند با ارجاع به قانون دسترسی آزاد به اطلاعات، خواستار افزایش وضعیت رسیدگی به شکایتش شود.

■ **عوامل مؤثر در بی‌پاسخی اپراتورها**

فقدان زیرساخت‌های فنی مناسب برای انتقال و ثبت دقیق شکایات، کمبود نیروی انسانی متخصص آموزش‌دیده در مراکز تماس، نبود الزام قانونی قوی برای پاسخگویی در مهلت معین، ضعف نظارت و پیگیری دستگاه‌های بالادست، فرهنگ سازمانی ادارات که بیشتر به کنترل مراجعان اهمیت می‌دهند تا پاسخگویی شفاف و نبود آگاهی شهروندان درباره حقوق خود و مسیر قانونی پیگیری شکایات از مؤثرترین عوامل در این روند بی‌پاسخی‌ها هستند.

وضعیت فعلی منتج به تضعیف حقوق مصرف‌کننده، فرسودگی روانی و ادامه چرخه معیوب پاسخگویی و افزایش شکایات در مراجع قضایی و اداری به دلیل بی‌اعتمادی به سامانه‌های داخلی خواهد شد.

مردم در یافت‌کننده کالا یا خدمات پاسخ مناسب نمی‌گیرند و تکرار شکایت و عدم‌نتیجه، موجب خستگی، ناامیدی و کاهش مشارکت مردم می‌شود که این روند اعتماد عمومی به دستگاه‌ها و نهادهای از بین خواهد برد.

■ **پیشنهادات عملی برای اصلاح وضعیت**

پیشنهاد می‌شود برای تمامی شکایات ثبت‌شده در سامانه‌ها، باید مهلت مشخصی (مثلاً ۱۰ یا ۱۵ روز کاری) تعیین شود و دستگاه‌ها موظف باشند در این زمان پاسخ دهند. در ادامه به‌محض صدور کد پیگیری راهنمای واضحی ارائه شود که شهروند بداند

دقیق قرار گرفته است. در مجموع حدود ۵هزار کارشناس متخصص در ۱۵ رشته مختلف به صورت میدانی و مستمر فعالیت کردند و همه مستندات کارشناسی در اختیار ماست. مرکز و کلا با تشکیل کارگروه‌های تخصصی، پرونده‌ها را به دقت بررسی و مستندسازی و کارشناسان ما در قالب تیم‌های چندرشته‌ای، به صورت جهادی و میدانی، شواهد و مدارک مرتبط با جنایات و تجاوزات را جمع‌آوری و تحلیل کرده‌اند. این مستندات هم برای ارائه به محاکم داخلی و هم برای استفاده در مجامع بین‌المللی تدوین شده است. اقدامات متقابل حقوقی ما شامل پیگیری حقوقی در دادگاه‌های داخلی و بین‌المللی، تدوین شکوایه‌های جامع و ارائه مستندات دقیق و در نهایت دادخواست است.

■ **ضرورت تصویب قوانین تکمیلی برای اجرای احکام علیه امریکا و رژیم‌صهیونیستی**

القاصی مهر، رئیس کل دادگستری تهران در همایش نبرد حقوقی گفت: اجرای احکام علیه امریکا و رژیم‌صهیونیستی ممکن است با محدودیت‌هایی همراه باشد، اما تجربه نشان داده است که در چند پرونده این احکام اجرا شده‌اند، بنابراین لازم است قوانین لازم برای رسیدگی سریع‌تر در اختیار قوه قضائیه قرار گیرد. دادگستری استان تهران به‌عنوان مرجع اصلی رسیدگی به جنایات رژیم‌صهیونیستی در جنگ اخیر انتخاب شده و شعبه ویژه‌ای در مجتمع قضایی شهید بهشتی برای دعاوی حقوقی علیه رژیم‌صهیونیستی و دولت امریکا اختصاص یافته است. تاکنون ۱۵ شکایت از سوی سازمان‌ها، نهادهای، وزارتخانه‌ها و اشخاص حقوقی و نیز ۴۵ شکایت از اشخاص حقیقی به دادسرای تهران ارجاع شده و در حال رسیدگی است. این شکایات در چند دسته تقسیم می‌شوند:

گروه اول: شکایات مربوط به شهدا و مجروحان جنگ تحمیلی از نیروهای نظامی و مردمی، بیش از هزار شهید و بیش از ۵هزار مجروح. گروه دوم، شکایات مربوط به آحاد ملت ایران به عنوان شهروندانی که در اثر حملات وحشیانه متحمل خسارت روحی و روانی شده‌اند. گروه سوم، شکایات مربوط به خسارات وارده شده به قوه قضائیه، نهادهای و تجهیزات آن. گروه چهارم، شکایات مربوط به ۴۴حادث تولیدی و صنعتی که در اثر حملات رژیم‌صهیونیستی دچار خسارات عمده و اساسی شده‌اند. گروه پنجم، شکایات مربوط به نهادهای دولتی و دیگر نهادهای به نهادهای دولتی و وزارتخانه‌ها و شبکه بانکی کشور.

شاید برات سؤال شده که



حسن شیرازی | ایران

قیم چه اختیارات

و محدودیت‌هایی دارد؟

قیمومت به جهت حمایت از محجوران شکل گرفته است، بنابر این مهم است اختیارات قیم از حدود قانون فراتر نرود و به ابزار سلطه بدل نشود. در واقع باید گفت قیم نه مالک است نه حاکم، او تنها نگهدارنی حقن را می‌کند که صاحبش در آن لحظه توان دفاع از آن را ندارد. قانون مدنی به تفصیل به اختیارات و محدودیت‌های قیم پرداخته است.

■ **مبنای قیمومت**

قیمومت یکی از مبانی حمایتی در حقوق مدنی است و فلسفه وجودی آن حفاظت از اموال، حقوق و کرامت افرادی است که به دلیل صغر سن، جنون یا سفه، توانایی اداره امور خود را ندارند. مواد ۱۱۸۰ تا ۱۲۴۴ قانون مدنی چارچوب کامل این مبنای حمایتی را بیان می‌کند. بنا بر تعریف قانون مدنی قیم تنها نماینده قانونی محجور است نه صاحب اختیار او، به این معنا که تصمیماتش تنها تا جایی اعتبار دارد که در راستای مصلحت محجور باشد.

■ **قیم چگونه منصوب می‌شود؟**

انتخاب قیم جزء مهم‌ترین تصمیمات قضایی در حوزه امور حسبی محسوب می‌شود. هرگاه فردی فاقد ولی قهری باشد (پدر یا جد پدری)، دادگاه صالح بر اساس مواد ۱۲۱۸ و ۱۲۱۹ قانون مدنی، با درخواست دادستان یا اشخاص ذی‌نفع، فردی را به عنوان قیم تعیین می‌کند. شرایط انتخاب قیم، مطابق ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی، عبارت است از: بلوغ، عقل، امانت، حسن شهرت و نداشتن ورشکستگی یا محکومیت کیفری، همچنین قانون تأکید دارد که ترجیح با نزدیک‌ترین خویشاوند صالح محجور است، مگر اینکه دادگاه مصلحت را در انتخاب فرد دیگری بداند. این دقت در انتخاب نشانگر اهمیت سمت قیمومت است چراکه قیم در واقع جانشین عقل و اراده فردی است که از آن محروم شده و چنین جایگاهی نیازمند صلاحیت اخلاقی و اجتماعی ویژه‌ای است.

■ **اختیارات قیم**

قیم از دید قانون نماینده محجور در امور مالی و غیرمالی است (ماده ۱۲۳۵ قانون مدنی) اما این اختیار مطلق نیست. بسیاری از اقدامات مهم او مشروط به اجازه دادستان است. از جمله مواردی که نیاز به اجازه دارد عبارتند از: فروش، رهن یا صلح اموال غیرمنقول محجور، هرگونه معامله‌ای که به انتقال دارایی‌های مهم منجر شود، سرمایه‌گذاری از محل اموال محجور، به‌ازدواج دادن مجنون یا صغیر پس از بلوغ سنی، همچنین قیم موظف است سالانه گزارش از عملکرد مالی خود به دادستان ارائه دهد و در صورت مطالبه، مدارک و دفاتر خود را تسلیم دادستانی کند.

■ **محدودیت‌های قیم**

در برابر اختیارات مشخص، قانون برای قیم محدودیت‌هایی نیز در نظر گرفته است.

قیم نمی‌تواند از اموال محجور برای نفع شخصی استفاده کند همچنین نمی‌تواند خود با محجور معاملهای انجام دهد (ماده ۱۲۴۰ قانون مدنی)، قیم نباید بدون اجازه دادستان، تصمیم مهم مالی یا غیرمالی بگیرد و نباید محجور را از حقوق طبیعی خود مانند حق تحصیل، زندگی یا انتخاب محل اقامت محروم کند. تخطی از این حدود، موجب مسئولیت مدنی و حتی عزل قیم خواهد شد.

■ **قیم در چه شرایطی عزل می‌شود؟**

درست است که قیم منصوب دادگاه است، اما جایگاه او همیشگی نیست. در قانون ما مواردی که به عزل قیم منجر می‌شوند، عبارتند از: خیانت یا سوءاستفاده از اموال محجور، ناتوانی در انجام وظایف قانونی، محکومیت کیفری مؤثر یا ورشکستگی، از بین رفتن شرایط صلاحیت (مثل فقدان امانت یا حسن شهرت) و دادستان یا هر ذی‌نفعی می‌تواند به دادگاه موارد مذکور را گزارش دهد و در صورت اثبات، قیم از سمت خود برکنار می‌شود. در این حالت، دادگاه موظف است فوراً قیم جدیدی تعیین کند تا محجور از حمایت قانونی برخوردار بماند.

■ **عزل مادر از قیمومت**

در بسیاری از موارد مادر پس از فوت پدر به‌عنوان نزدیک‌ترین شخص به کودک، قیم یا سرپرست او تعیین می‌شود، اما قانون در این زمینه نیز به ملاحظات و مصلحت‌طفل توجهی ویژه دارد. اگر مادر به هر دلیلی فاقد شرایط قانونی شود (برای مثال دچار سوءفقا، اعتیاد، بیماری روانی مؤثر یا ازدواج مجددی شود که به مصلحت طفل نیست) دادگاه می‌تواند او را از قیمومت یا محصلت عزل کند. این تصمیم البته آسان گرفته نمی‌شود، زیرا قانون پیوند عاطفی مادر و فرزند را نیز محترم می‌شمارد، اما هنگامی که امنیت جسمی یا اخلاقی کودک در خطر باشد حمایت قانونی بر احساسات خانوادگی مقدم می‌شود.

■ **نظارت بر قیم (نقش دادستان و دادگاه)**

نظارت بر قیمومت از سوی دو مرجع انجام می‌شود: نظارت مستمر از سوی دادستان و نظارت قضایی از سوی دادگاه. دادستان موظف است گزارش‌های سالانه قیم را بررسی و در صورت مشاهده تخلف، اخطار یا تقاضای عزل کند. دادگاه نیز اختیار دارد در صورت وجود دلایل کافی، حسابرسی مالی انجام دهد یا کارشناسی مستقل تعیین کند. این نظارت دولایه تضمینی است برای اینکه قیمومت به انحراف نرود و محجور در پناه قانون باقی بماند.